

واکاوی جامعه‌شناختی پوشش دانشجویان

غلامرضا تاجبخش^۱

چکیده

حجاب و پوشش به‌عنوان امری فطری همواره از جمله موضوعات مهم و چالش‌برانگیز فرهنگی و اجتماعی در بسیاری از جوامع است. حجاب ضامن سلامتی فرد و جامعه بوده و عدم رعایت آن، اثرهای آسیب‌زایی بر اخلاق، باورها، فرهنگ و امنیت جامعه خواهد داشت. به‌واسطه گسترش مناسبات اقتصادی و اجتماعی و حضور فعال زن در عرصه‌های مختلف اجتماعی و همچنین به‌دلیل ورود ارزش‌های مدرن در جامعه، شاهد تغییر نگرش‌ها در حوزه پوشش هستیم و از این رو، پوشش نیز دچار دگرگونی شده و انگیزه‌ها و شیوه‌های گوناگون آن، مورد چالش اساسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر با اتخاذ یک رویکرد کیفی به بررسی موضوع حجاب می‌پردازد. نمونه آماری پژوهش شامل تعداد ۳۰ نفر از دانشجویان دختر شاغل به تحصیل در دانشگاه آیت‌الله بروجردی^۲ هستند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری انتخاب شده‌اند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد و اطلاعات حاصل از آن، با تکنیک تحلیل تماتیک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش حکایت از دلالت‌های ذهنی و معنایی مصاحبه‌شوندگان در انتخاب نوع پوشش دارد.

واژگان کلیدی

پوشش، دانشجوی، دختر، دلالت‌های ذهنی و معنایی، الگوهای درون‌ساز

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی، tajbakhsh_gr@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶

۱. مقدمه

واژهٔ حجاب معانی گوناگونی از جمله روگیری، در پرده کردن، مانع، ست، پرده، روبند و... دارد. پوشش و حجاب و نمود آن، نه تنها از منظر دین مبین اسلام به‌عنوان یک نشانهٔ دینی، و از باورهای انکارناپذیر و مورد قبول همهٔ مذاهب اسلامی است، بلکه در علوم انسانی به‌ویژه جامعه‌شناسی نیز جایگاه والایی داشته و پدیده‌ای فرافردی و کاملاً اجتماعی محسوب می‌شود که تأمین‌کنندهٔ امنیت اجتماعی، اخلاقی و بهداشت روانی در جامعه است. مسئلهٔ پوشش و حجاب یکی از مسائل پر چالش و همیشگی در همهٔ زمان‌ها و برای همهٔ جوامع بوده و هست و کشور ما نیز از این موضوع مستثنا نیست؛ چراکه مسئلهٔ بدحجابی یا بی‌حجابی، امنیت اجتماعی و اخلاقی که زیربنا و پیش‌شرط توسعه و پیشرفت جامعه است را از بین می‌برد. در مکتب کارکردگرایی، جامعه از اجزا و عناصر گوناگون و متفاوت اما هماهنگ و مرتبط با هم تشکیل یافته است. هریک از اجزا و عناصر، کارکرد و وظیفهٔ مشخصی برعهده دارند و حیات و بقای جامعه، در گرو ارتباط و هماهنگی بین این اجزا است و در صورت کارکرد نامناسب یک جزء، سایر اجزا نیز از پیامدها و آسیب‌های آن در امان نخواهد ماند. از این رو، پوشش و حجاب در انسان‌سازی و جامعه‌سازی، نقش حیاتی ایفا می‌کند. اگرچه پوشیدگی برای همهٔ انسان‌ها چه زن و چه مرد، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است اما این پوشش برای دختران جوان و زنان به‌دلیل مقام انسانی و همسری، از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و رعایت حجاب، بهترین حافظ و حصار در عصری است که برخی نام آنرا عصر برهنگی و آزادی جنسی نامیده‌اند و می‌تواند آنان را در برابر آسیب‌ها و خطرهای حفظ کرده و آرامش روانی و اجتماعی را برایشان برقرار سازد.

با توجه به جایگاه و منزلت والای مقولهٔ حجاب اسلامی در نظام مقدس جمهوری اسلامی و همچنین نقش اثرگذار دانشجویان دختر به‌عنوان نسل جوان و آینده‌ساز جامعه و لزوم رعایت پوشش مناسب اسلامی در نهاد مقدس دانشگاه به‌عنوان یکی از متولیان مهم و عمده در جامعه‌پذیری و تربیت اخلاقی و اجتماعی و تأثیرهای شگرف پوشش و حجاب در استحکام بنیان خانواده به‌عنوان پایهٔ اجتماع و بهزیستی نظری و روانی عمومی جامعه؛ بر این اساس پژوهش حاضر این موضوع را مورد واکاوی جامعه‌شناختی قرار می‌دهد.

۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

حجاب و پوشش به‌عنوان پدیده‌ای فطری و جهان‌شمول، جایگاه ویژه‌ای در مباحث روز دنیا دارد که مناقشات زیادی دربارهٔ معنا و اهمیت این مسئله در جوامع گذشته و حال وجود داشته است. هر نوع دگرگونی در ساختار فرهنگی و اجتماعی با تغییر در پوشش مردم مشخص می‌گردد چنان‌که استیلای فرهنگی و سلطه‌پذیری نیز در اولین مرحله از تغییر در پوشش مردم شروع می‌شود (قربی، ۱۳۸۹: ۲۳۹) لذا آشنایی با نوع پوشش دانشجویان دختر، نگرش‌ها، رفتارها و نمادهای افراد در زمینهٔ زندگی روزمره می‌تواند تفسیری واقعی از جهت‌گیری‌ها و الگوهای رفتاری آنها را ترسیم سازد و همچنین می‌تواند در درک تحولات و تهدیدهای فرهنگی کارساز باشد و به برنامه‌ریزان اجتماعی در جهت بهبود فرهنگ بومی و ملی یاری رساند. در جامعهٔ ایران، لباس از منابع گوناگونی متأثر بوده و همواره شبکه‌های مفهومی درهم‌تنیده‌ای در طول تمدن و فرهنگ بر آن اثرگذار بوده است و توانسته تا حد بسیار زیادی آنرا از وضعیت محلی، سنتی و بومی خارج کند و شرایط را به‌گونه‌ای رقم بزند که جامعه، اکنون شاهد آن است. از آنجایی که دورهٔ دانشجویی از مهم‌ترین دوره‌های رشد و دوران هویت‌یابی به‌شمار می‌آید و در این دوره، زمینه برای رشد یا انحراف از اعتقادات مذهبی آماده‌تر است لذا پرداختن به درون‌سازی و نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب به‌عنوان یکی از ضرورت‌های دینی در این مرحلهٔ رشد، بسیار مهم و حساس است؛ زیرا دانشجویان، مخاطبان اصلی تهاجم فرهنگی دشمن‌اند. بر این اساس پرداختن به موضوع حجاب و پوشش، و درک و تصور دانشجویان از آن و همچنین دلالت‌های ذهنی و معنایی آنها می‌تواند در تحلیل و بررسی نگرش‌های مربوط به حجاب برای مسئولان، برنامه‌ریزان و متخصصان علوم اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار باشد، تا بتوان تدابیر و سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های مناسبی برای اولویت‌بندی‌های ارزشی و فرهنگی در مورد حجاب و پوشش در جامعه اتخاذ کرد.

۳. اهداف و سؤالات

پژوهش حاضر به‌دنبال تعریف، تصور و درک معانی ذهنی دانشجویان دختر دانشگاه آیت‌الله بروجردی^ع دربارهٔ حجاب و پوشش است که در جریان مصاحبه‌ها، سعی شد از مصاحبه‌شوندگان در مورد دلالت‌های ذهنی و معنایی‌شان در انتخاب سبک پوشش و

- همچنین راه‌های درونی‌کننده سبک‌های مختلف پوشش پرسش‌های ذیل پرسیده شود.
۱. دانشجویان چه تعریف و تفسیری از حجاب و پوشش دارند؟
 ۲. دلالت‌های ذهنی و معنایی شرکت‌کنندگان برای انتخاب سبک پوشش خود چه بوده است؟
 ۳. شرکت‌کنندگان چه الگوهایی را جهت درون‌سازی سبک‌های مختلف پوشش عنوان کرده‌اند؟

۴. پیشینه تجربی پژوهش

یافته‌های پژوهش کیفی تاج‌بخش (۱۳۹۸) بیانگر وجود سبک‌های مختلف پوشش شامل پوشش فردی‌شده، پوشش مدرن، پوشش مصلحتی، پوشش تکلیفی، موقعیت‌مندی پوشش و نسبی شدن پوشش دارد.

جوانی و امیری (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان عوامل گرایش به بدحجابی و راهکارهای مقابله با آن، که به صورت توصیفی - پیمایشی و میدانی انجام گرفت. با تفکر سیستمی به موضوع حجاب پرداخته و حجاب به عنوان یک سیستم اجتماعی در نظر گرفته شد. عناصر کلیدی آن در چهار محور ورودی، فراگرد، پیامد و بازخورد مورد بررسی قرار گرفت.

متانی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان نقش رسانه‌های جمعی در گسترش فرهنگ حجاب و عفاف زنان به نقش اثرگذار اطلاع‌رسانی و آموزش‌های سازنده، ترویج مدل‌ها و الگوهای مناسب پوشش، ارزش نهادن به مسئله حجاب، همگن‌سازی و جریان‌سازی افکار عمومی، جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری در گسترش فرهنگ حجاب و عفاف تأکید دارد.

پیکانی و محمودوند (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان سیاست‌های فرهنگی پوشش زنان به بررسی و تحلیل سیاست‌گذاری‌های دولت در حوزه پوشش زنان و دختران می‌پردازد. مواردی مانند توجه کم به سیاست‌های فرهنگی و عدم هماهنگی سیاست‌ها و مصوبات قانونی با شرایط جامعه و فقدان نظارت مناسب از عوامل عدم موفقیت سیاست‌گذاری در حوزه پوشش زنان است.

یافته‌های پژوهش فرزانه و امیریان‌زاده (۱۳۹۶) با عنوان مقایسه اولویت‌بندی عامل‌های مؤثر بر پوشش دانشجویان بر مبنای متغیر جمعیت‌شناختی به مسائلی از جمله آشنایی نداشتن والدین با فلسفه و ارزش پوشش، ترویج بی‌حجابی در رسانه‌ها، احساس نیاز به جلب توجه دیگران اشاره می‌کند.

پژوهش حسینی و خرمایی (۱۳۹۵) با عنوان مبانی دینی زیباگرایی مُد در پوشش و

آرایش زنان به عواملی از جمله مصرف‌گرایی و اسراف، کم‌رنگ شدن نقش سازنده زن مسلمان، گسترش فساد و به حاشیه رفتن سبک اصیل زندگی اسلامی که در عرصه ناهنجاری پوشش و حجاب مؤثرند، می‌پردازد.

نصری (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان رویکرد جامعه‌شناختی به حجاب، به موضوع حجاب در حوزه‌های مختلف از جمله کارکردهای اجتماعی حجاب مانند افزایش و پایداری سرمایه اجتماعی، تحکیم بنیان خانواده و امنیت اجتماعی پایدار و کارکردهای فرهنگی حجاب مانند تزکیه نفس و خودسازی، بهداشت روانی، ظهور شخصیت والای زن می‌پردازد. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از پیشینه‌های ذکر شده در مقاله حاضر، حکایت از فقدان پژوهشی مستقل و مستقیم مرتبط با اهداف، روش و ساختار این پژوهش دارد. در نتیجه اهمیت این پژوهش در آن است که با رویکرد کیفی و به‌طور ویژه به این موضوع حجاب می‌پردازد.

۵. ادبیات نظری

رویکرد ساختی - کارکردی بر پایبندی به اصول و قواعد حفظ و بقای نظام اجتماعی تأکید دارد. این رویکرد به موجودیت یکپارچه نظام اجتماعی در سطح کلان و ساختارها توجه دارد و شکل‌گیری کجروی را معلول انواعی از ترتیبات اجتماعی غیرکارکردی در درون ساختارهای جامعه می‌داند (بخارایی، ۱۳۹۰: ۷۰). بر اساس این رویکرد، نهادهای اجتماعی در جامعه، رابطه متعاملی داشته و در صورت اختلال، تغییر یا وجود نقص در هر کدام دیگر نهادها و موجودیت و بقای کل سیستم را تحت تأثیر قرار خواهد داد. بنابراین بر اساس این مکتب، پدیده بدحجابی یا بی‌حجابی، تخطی از قوانین و قواعد اجتماعی و نوعی انحراف از ارزش‌های مشترک و توافق جمعی مردم است که باعث بی‌نظمی و عدم تعادل، و تهدیدی برای ثبات و دوام نظام اجتماعی، و درهم‌شکستن وفاق اجتماعی محسوب می‌شود. کنش متقابل نمادی، بر طبیعت کنش متقابل اجتماعی دینامیکی که در میان افراد اتفاق می‌افتد، متمرکز است. به نظر کنش متقابل‌گرایان، کنشگر مختار در انجام عمل است. کنشگر در انتخاب شیوه عمل آزاد بوده، در این صورت عمل او غیرقابل پیش‌بینی است. انسان در این دیدگاه درک و انتخاب می‌کند و سپس تفسیر می‌نماید و در نهایت در این مسیر ساخته می‌شود (آزاد ارمکی، ۱۳۷۶: ۲۶۹). بر اساس این دیدگاه، محور اصلی و اساس کنش بر گرد فرد می‌چرخد. به عبارتی چگونگی شکل یافتن تصور از خود، اهمیت دارد. این

نظریه به دنبال فهم چگونگی معانی ایجادشده در کنش متقابل بین افراد و چگونگی ارتباطات با یکدیگر و رابطه فرد و جامعه است. در دیدگاه جامعه‌پذیری، خانواده و جامعه دو عامل مهم در ایجاد پیوند اجتماعی‌اند. در این رویکرد، جایگاه خانواده، آموزش و پرورش، رسانه‌ها و مقوله‌های نظارت اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. بر اساس این دیدگاه، عوامل خانوادگی مؤثر در بروز پدیده بدحجابی شامل تضاد و تنش در خانواده، کاهش نقش نظارتی والدین در خانواده، ارتباط و استفاده نامناسب جنسی در خانواده و... است.

از نظر گیدنز، خودآرایی و تزئین خویشتن با پویایی خویشتن مرتبط است. در این معنا پوشاک افزون بر اینکه وسیله مهمی برای پنهان‌سازی یا آشکارسازی وجوه مختلف زندگی شخصی است، نوعی وسیله خودنمایی نیز محسوب می‌شود؛ چراکه لباس، آداب و اصول رایج به هویت را پیوند می‌زند (گیدنز، ۱۳۸۸: ۸۸-۸۷).

زیمل در تحلیل مصرف‌گرایی جامعه مدرن بر مقوله‌ای همچون مُد تأکید دارد، به نظر وی مصرف کالاها و ایجاد سبک‌های زندگی از سوی برای فرد هویت‌بخش بوده و از سوی دیگر متمایزکننده است. زیمل در مقاله مُد دلایل تعدد تغییر مُد (همچون پوشاک، آشپزی، هنر، معماری و موسیقی) در فرهنگ مدرن را بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که مردم سریع‌تر به مُدهای جدید و متفاوت جذب می‌شوند؛ زیرا می‌خواهند به هویت شخصی متمایز خود شکل دهند. به نظر زیمل در جوامع اولیه، افراد هویت خود را از گروه می‌گرفتند. از این رو، بسیار همگن بودند اما در جوامع مدرن، فرایند هویت‌یابی فردی شده است به نظر زیمل در شهرهای بزرگ فرد مصرف می‌کند تا هویتی را که دوست دارد برای خود بسازد (باکاک، ۱۳۸۱: ۲۶).

بورديو اصرار دارد فرهنگ، جزئی از سازمان اجتماعی سلطه است؛ اگر انسان‌ها بر سر کنترل و تولید و چرخش معانی با یکدیگر مبارزه می‌کنند بدین دلیل است که فرهنگ نقش محوری برای پویای ناهم‌رابری اجتماعی دارد. مطالعه‌های بورديو نقش فرهنگ را در ناهم‌رابری‌هایی که بنیانی طبقاتی دارند بررسی می‌کند. به‌طور کلی بورديو مدعی است که فرهنگ - نمادها، معانی، کالاهای فرهنگی (از موسیقی و ادبیات روشنفکرانه تا غذا و لباس و اساس خانه) - همواره مهر طبقه اجتماعی را بر پیشانی دارد و از سوی دیگر فرهنگ سلطه طبقه را تا جایی بازتولید می‌کند که طبقات مسلط بتوانند ارزش‌های فرهنگی، معیارها و ضائقه خود را بر کل جامعه تحمیل کنند تا دست‌کم ترجیحات فرهنگی‌شان را

به‌منزله معیار برترین، بهترین و مشروع‌ترین سبک زندگی در فرهنگ ملی تثبیت کنند. بورديو در کتاب تمایز نشان می‌دهد که تمایزات اجتماعی و ساختاری در دهه اخیر مدرنیته به‌طور روزافزونی از رهگذر صور فرهنگی بیان می‌شوند (بورديو، ۱۹۸۴: ۸).

به عقیده وی، سبک استفاده از کالاها، روش‌های لباس پوشیدن، آرایش کردن و غیره تشکیل‌دهنده یکی از نشانه‌های کلیدی هویت و نیز صلاح‌هایی ایده‌آل در استراتژی‌های تمایز می‌باشند (همان: ۳۰).

به منظور واکاوی زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی متعدد در انتخاب نوع پوشش، گریزی بر دیدگاه‌های نظری مطرح‌شده متناسب با مسئله، نشان می‌دهد که در دنیای پسامدرن، فرهنگ بصری و نمایشی اهمیت خاص یافته است و بر این مبنا در حوزه‌های فرهنگی عصر جدید، سبک و انتخاب لباس و پوشش درعین حال که به‌عنوان یکی از ضرورت‌های اجتماعی است، همچنین پدیده فرهنگی نیز محسوب می‌شود که به تناسب ارزش‌ها، باورها و زمینه‌های مختلف اجتماعی، کارکردها و معانی مختلفی به‌خود می‌گیرد. طرز پوشش به‌عنوان یکی از ابزارهای هویت‌بخش و متمایزکننده در جوامع امروزی، ارزش‌ها، عقاید و باورهای متفاوتی به‌خود گرفته است. همان‌گونه که طرفداران مکتب کنش متقابل‌گرایی نیز معتقدند آزادی افراد در انتخاب نوع کنش، سبب شده افراد خود را به سبک زندگی و گروه خاصی نزدیک یا دور کنند، که همین مسئله باعث می‌شود در صورتی که انتخاب‌های افراد با بافت فرهنگی و اجتماعی همخوانی نداشته باشند، نظم و تعادل فرهنگی و اجتماعی جوامع را بر هم می‌زنند.

۶. روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش، روش کیفی از نوع تحلیل مضمون است. با توجه به اینکه هدف از پژوهش حاضر این است که داده‌ها بدون پیش‌زمینه ذهنی و با توجه به ماهیت پدیده استخراج گردند لذا به‌منظور فهم بهتر تجربه‌های افراد، سعی می‌شود مصاحبه‌ها به‌نحوی پرسیده شوند که هیچ پیش‌زمینه ذهنی ایجاد نگردد و چارچوبی از پیش تعیین‌شده بر افراد تحمیل نگردد و پدیده‌ها از دل خود داده‌ها استخراج گردد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۹).

تحلیل مضمون، ابزاری برای تحلیل داده‌های متنی است؛ به این نحو که داده‌های

پراکنده و گوناگون را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. انعطاف‌پذیری این روش، ویژگی بسیار اساسی و مهم آن است (Braun & Clarck, 2006: 82).

تحلیل مضمون یا تماتیک، ضمن اینکه خود یک روش مستقل تحلیلی است، می‌تواند در روش‌های تحلیلی دیگر نیز به کار رود. داده‌های مورد تحلیل در روش تماتیک یا موضوعی شامل داده‌های متنی، مصاحبه‌ها و داده‌های مشاهده‌ای متنی شده هستند. کاربرد این روش به‌طور اختصار عبارت‌اند از: ۱. شناسایی (دیدن متن)؛ ۲. نمونه‌برداری (برداشت مناسب از داده‌های به‌ظاهر نامرتبط)؛ ۳. دسته‌بندی و پوسته‌پوسته کردن (مشاهده نظام‌مند شخص، گروه، موقعیت، سازمان، فرهنگ یا متن)؛ ۴. اطمینان و اعتبار بخشیدن (تبدیل داده‌های کیفی به کمی) (بویاتزیس، ۱۹۹۸: ۹).

یکی از مهم‌ترین و دشوارترین کارها در این گونه تحقیقات کیفی، شناخت مضمون یا تم است (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۱). به‌طور خلاصه تحلیل مضمون، از جمله روش‌های غیرواکنشی و غیرمداخله‌ای است که با سه تکنیک تلخیص، تحلیل تفسیری و تحلیل ساختاربخش انجام می‌گیرد. در این روش طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مفاهیم و مقولات از مصاحبه‌های انجام گرفته استخراج شده و در قالب دسته‌بندی مقولات و مفاهیم، ارائه شده‌اند. پس از تکمیل مصاحبه‌ها و تبدیل آنها به متن مصاحبه‌ها چندین بار خوانده شده و کدگذاری شده‌اند. مهم‌ترین هدف کدگذاری، خرد کردن و فهم متن و پیوند دادن اجزای به‌دست آمده با یکدیگر و تدوین مقوله و منظم کردنشان است (فیلیک، ۱۳۸۷: ۶۶). داده‌های حاصل از مصاحبه در مرحله کدگذاری باز تعداد ۵۲ کد اولیه، در مرحله کدگذاری محوری تعداد ۹ مقوله و در مرحله کدگذاری انتخابی تعداد ۴ مضمون نهایی، شناسایی و استخراج شدند و در نهایت شبکه مضمون به‌صورت خروجی ارائه شد.

روش نمونه‌گیری برای پژوهش حاضر از نوع نمونه‌گیری عمدی یا هدفمند و به‌صورت نظری است. نمونه‌گیری هدفمند جهت گزینش افراد مورد مصاحبه و نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد و تعیین محل گردآوری داده‌ها برای پژوهش استفاده شده است. تکنیک جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته بوده است. در این پژوهش راهبرد نمونه‌گیری با حداکثر تنوع به کار گرفته شد و با ۳۰ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه آیت‌الله بروجردی^{۱۰} از دانشکده‌های علوم انسانی، علوم پایه و فنی مهندسی و در

مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد و از طیف‌های مختلف سنی، سبک‌های پوشش سنتی و مدرن و پایگاه‌های متفاوت اقتصادی و اجتماعی مصاحبه گرفته شد. در این پژوهش برای بررسی روایی یا اعتبار تحقیق، یافته‌های پژوهش به افراد مورد مطالعه، ارائه و توسط آنها مطالعه و نقطه‌نظرات آنها اعمال شده است. این روش موسوم به روش اعتبار عضو است (ایمان، ۱۳۸۸: ۹۲). یکی از راه‌های نشان دادن پایایی نیز در تحقیقات کیفی، مطالعه حسابرسی فرایند آنهاست. یافته‌ها، زمانی قابل حسابرسی‌اند که محقق دیگر، بتواند مسیر تصمیم به کاررفته توسط محقق در طول مصاحبه را با روشنی و وضوح پیگیری کند و سازگاری مطالعه را نشان دهد. بنابراین در پژوهش حاضر همه داده‌های خام در اختیار صاحب‌نظران قرار داده شده و صحت و سقم یافته‌ها در تمام مراحل توسط آنها مورد تأیید قرار گرفته است.

۷. مفاهیم و مقولات استخراج شده از مصاحبه‌ها

با توجه به موضوع پژوهش، نمونه‌های مورد مصاحبه، دانشجویان دختر شاغل به تحصیل در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی، علوم پایه و فنی مهندسی دانشگاه آیت‌الله بروجردی^۱ هستند. بر این اساس ۱۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان در گروه سنی ۱۹ تا ۲۴ سال و ۱۵ نفر دیگر در گروه سنی ۲۴ تا ۳۰ سال قرار دارند. همچنین نیمی از شرکت‌کنندگان در مقطع کارشناسی و نیمی دیگر در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل هستند. از بین شرکت‌کنندگان حاضر در پژوهش، ۷ نفر از آنها متأهل و ۲۳ نفر مجردند. بر اساس وضعیت محل سکونت فعلیشان ۴ نفر از ساکن خوابگاه خصوصی، ۱۶ نفر در خوابگاه خودگردان و ۱۰ نفر از آنها نیز بومی بوده و در منازل شخصی و به همراه خانواده خود زندگی می‌کنند. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد قسمت‌هایی از مصاحبه‌ها که در رابطه با موضوع‌های مورد مطالعه بودند، استخراج شده و مورد کدگذاری قرار گرفته است. در این قسمت، مفهوم‌سازی انجام گرفته بدین معنی است کدهایی که شباهت معنایی با یکدیگر داشتند به‌عنوان یک مفهوم معرفی شده‌اند، هرکدام نماینده مفهومی یک یا چند کد هستند. بعد از استخراج همه مفاهیم، با دقت در مفاهیم توانسته‌ایم دسته‌بندی موضوعی از مفاهیم ارائه دهیم. مضمون‌ها در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱. مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه
مصونیت‌گرایی	دلالت‌های دینی	حجاب برگرفته از دین و به معنای مصونیت، رعایت عفاف و پاکدامنی، تکمیل‌کننده دین، پوشش سالم، متانت در کردار، مسئله‌ای شرعی، الگوی حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small>
	حفاظ امنیتی	حفظ حریم خانم‌ها، پوشیدن از نامحرم، در امان بودن از نگاه‌های هرزه، در امان بودن از متلک‌ها، پذیرش اجتماعی
عرفی شدن حجاب	تنوع‌طلبانه	لباس‌های رنگ شاد، لباس‌هایی با رنگ‌های روشن، پوشش مرتب، شیک‌پوشی، مدگرایی، مارک‌گرایی
	روان‌شناختی	پوشش آرامش‌دهنده، انتقال فاز مثبت به طرف مقابل، افزایش اعتمادبه‌نفس، امنیت روانی در انتخاب پوشش خاص، رضایت فردی در انتخاب پوشش
اکراه و الزام به حجاب	پیروی از الزام‌های ساختاری	عمل به الزام‌های دینی در زمینه پوشش، عمل به الزام‌های اجتماعی در زمینه پوشش، عمل به الزام‌های خانوادگی در زمینه پوشش، عمل به الزام‌های جمهوری اسلامی ایران در زمینه پوشش، عمل به الزام‌های سنتی در زمینه پوشش
	نفی الزام‌های ساختاری	عدم اعتقاد به الزامی دانستن پوشش، عمل نکردن به الزام‌ها در حجاب و نوع پوشش، الزام به معنی توهین، عدم پذیرش الزام، الزام منجر به فساد، الزام عامل بدحجابی
الگوهای درون‌ساز سبک‌های مختلف پوشش	نهادینه‌سازی حجاب در خانواده	پوشش کامل اعضای خانواده، نقش پررنگ حجاب در خانواده، اعتقاد بالای اعضای خانواده به حجاب، الگوبرداری از خانواده محجبه، راهنمایی خانواده در انتخاب حجاب، تلاش خانواده در انتخاب حجاب مناسب، اهمیت بالای حجاب در خانواده
	نگرش سهل‌گیرانه خانواده نسبت به حجاب	نقش کم‌رنگ حجاب در بین اعضای خانواده، پایین‌بندی نسبی اعضای خانواده نسبت به حجاب، کم‌اهمیتی مسئله حجاب در بین اعضای خانواده
	الگوهای همانندساز	نقش کتاب‌های دینی در انتخاب نوع پوشش، نقش فضای مجازی در تغییر نگرش نسبت به پوشش، نقش مدهای رایج در تغییر نگرش نسبت به سبک پوشش، نقش مجله‌های مد و مدگرایی در تغییر سبک پوشش، نقش تجربیات گذشته خود فرد در تغییر سبک پوشش

۸. مصونیت‌گرایی

اسلام حجاب را از مصادیق مهم تحقق امنیت اخلاقی و اجتماعی در جامعه معرفی کرده است. پوشش دینی به‌منزله یک حفاظ ظاهری و باطنی در برابر نامحرم قلمداد می‌شود که مصونیت اخلاقی، خانوادگی و پیوند عمیق میان حجاب ظاهری و بازداری باطنی و مهم‌تر از همه، امنیت اجتماعی را فراهم می‌سازد. از مصادیق انتخاب‌شده برای مصونیت‌گرایی، دلالت‌های دینی و امنیتی در انتخاب نوع پوشش است.

۸-۱. دلالت‌های دینی

در این گفتمان، نوع پوشش زنان تکلیفی دینی بوده که فرد موظف به اجرای آن است. حدود پوشش و حجاب را دین مشخص می‌کند و انتخابی شخصی نیست. گفتمان حاکم در تعریف خود در باب پوشش، مشروعیت خود را از مرجع مقتدری به نام دین می‌گیرد. در اسلام، قوانین مشخصی درباره پوشش زنان وجود دارد که مرجع اصلی گفتمان حاکم در تعریف پوشش و هنجارهای مرتبط با آن است. دین، صلاحیت لازم را در جهت تعیین نوع و حدود پوشش زنان داراست. برخی پاسخگویان در این راستا زندگی می‌کنند و خود را ملزم به رعایت آموزه‌های دینی می‌دانند.

مهتاب ۲۳ ساله و دانشجوی کارشناسی می‌گوید: «خب حجاب یه مسئله کاملاً دینی هستش. دستورات کامل حجاب را دین برای ما تعیین کرده از ازل بوده و تا ابد هم خواهد بود. هیچ‌وقت نمی‌شه این دوتا رو از هم جدا کرد».

پریا ۲۵ ساله و دانشجوی کارشناسی بیان می‌کند: «به نظر من دین و حجاب مکمل همدیگه هستن، دین حد و مرز حجاب را مشخص کرده پس من هم که دین اسلام را پذیرفتم باید قوانینش در مورد رعایت حجاب و پوشش را هم رعایت کنم».

ساحل ۲۳ ساله و دانشجوی کارشناسی می‌گوید: «دین اسلام تأکید زیادی به رعایت حجاب داشته، خب کسی که به‌طور کامل دین را قبول داشته باشه باید حجابشو کامل رعایت کنه. چون دین اسلام حدود کامل حجاب را برای ما مشخص کرده، و هیچ جای شکی باقی نگذاشته».

فاطمیما ۲۱ ساله و دانشجوی کارشناسی بیان می‌کند: «دین اسلام خیلی به حجاب تأکید کرده؛ چون ما مسلمانیم و باید حجاب را رعایت کنیم، اگه حجاب را رعایت نکنیم ممکن

است دچار گناه شویم. اگه حجاب را رعایت نکنیم حتی در میان فامیل و خویشاوندان هم بدنام می‌شویم و دید منفی نسبت به ما دارن».

۸-۲. دلالت‌های امنیتی

برخی افراد حاضر در مصاحبه، معتقد بودند پوشش امری است که به زندگی افراد و به‌ویژه زندگی زنان وابسته است، و به بهتر شدن زندگی آنها کمک می‌کند. پوشش و به‌ویژه حجاب، کارکرد حفاظتی و به عبارتی امنیتی دارد؛ یعنی فرد با داشتن حجاب به‌نوعی خود را در برابر مسائل و مشکلات موجود احتمالی مصون نگه می‌دارد. اغلب افراد نوع پوششان را با توجه به تجربه زیستی‌شان انتخاب می‌کنند یعنی در انتخاب نوع پوشش به مزایا و مشکلاتی که انواع سبک‌های مختلف پوششی به‌وجود آورده‌اند، توجه دارند.

یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های انتخاب نوع پوشش در میان زنان و دختران، انگیزه‌های غلبه بر ناامنی است. ناامنی‌هایی مانند خشونت‌های کلامی، نگاه‌های تهدیدآمیز و هرزه و... تعداد زیادی از آنها برای غلبه بر احساس ناامنی در انتخاب پوشش خود چنین معیاری را در نظر می‌گیرند تا این احساس را کاهش دهند.

در سال ۲۲ و دانشجوی کارشناسی در مورد کارکرد حفاظتی حجاب می‌گوید: «حجاب یعنی جلوگیری از آمیزش و اختلاط بی‌قید و شرط که مانع از این میشه که آدم در برابر دیگران مورد تعرض قرار بگیره. حالا فکر کنید این حجاب برداشته شود اون موقع ما چطور می‌تونیم بیرون بریم؟ اصلاً سنگ روی سنگ بند میشه؟».

سیما ۲۱ ساله و دانشجوی کارشناسی نیز این‌گونه بیان می‌کند: «حجاب، هم امنیت روانی هستش هم امنیت اجتماعی. من وقتی حجابم برتر باشه مسلماً خودم از خودم راضیم. و در مقابل، در محیط‌های اجتماعی هم امنیت بیشتری دارم. متوجه منظورم هستین یعنی اینکه دیگه کسی به خودش اجازه نمیده منو بد نگاه کنه یا حرفی به من بزنه».

رها ۲۶ ساله و دانشجوی ارشد در این باره می‌گوید: «خب مسلماً برای خانم‌ها خیلی ارتباط مستقیمی بین حجاب و احساس امنیتشون وجود داره، من اگه پوششم نامناسب باشه هرکسی به خودش اجازه میده به من حرفی بزنه یا با دید بدی منو نگاه کنه یعنی این خودِ آدماستن که به دیگران اجازه میدن بهشون توهین کنن یا مورد تعرض قرار بگیرن».

۸-۳. عرفی شدن پوشش

یکی از ملاک‌های عرفی شدن حجاب، دلالت تنوع‌طلبانه در پوشش و دیگری دلالت‌های روان‌شناختی است. همان‌طور که ویلن معتقد است شیک‌پوشی صرفاً ابزاری برای پیروی از مُد است. این فرهنگ به‌قدری اثرگذار بوده که هرچه مُد و گران است زیبا به نظر می‌رسد. در بسیاری از موارد، دیدن پوشش زنان و مردان چند دهه پیش در رسانه، چنین معنایی را در ذهن ما تولید می‌کند و این امر ناشی از تأثیر ناخودآگاه فرهنگ مُد بر ذهن و جان ماست. عصر امروز، عصر نشانه است و کالا در حاشی تولید نشانه قرار گرفته است (آزاد ارمکی، ۱۳۷۶: ۸۸). به نظر می‌رسد دختران و زنان جامعه، امروزه شیک بودن را الگوی مطلوب پوشش خود می‌دانند و از این‌رو، لباس یا مانتویی را انتخاب می‌کنند که ویژگی شیک بودن را دارد. این امر پویای تغییرات نگرشی زنان و دختران نسبت به معنای واقعی پوشش است. به عبارتی در فضای معاصر جامعه ما، پوشش از معنای واقعی خود مبنی بر پنهان بودن و در حجب‌وحیا بودن فاصله گرفته و گویا نماد توجه به ظاهر، ظاهرگرایی، شیک‌پوشی و... شده است.

۸-۴. دلالت تنوع‌طلبانه

به نظر می‌رسد بیشتر زنان با داشتن ظاهری یکنواخت و یک مدل اصلاً احساس خوبی ندارند و بسیار مایلند که با لباس‌های مختلف و ظاهرهایی متفاوت در جامعه حضور یابند. تنوع‌طلبی بر پایه آشکارگی است نه پنهان کردن. در نتیجه، منطق پوشش بر اساس ظاهر و باطن تغییر می‌کند، و معنای پوشش در دوره معاصر، از استتار چیزی توسط چیز دیگر، کاملاً برعکس شده و به آشکارگری تغییر کرده است. از این‌رو، مصاحبه با زنان و دختران نشان می‌دهد که بسیاری از آنها، به انواع لباس‌های مد روز و مارک، علاقه نشان می‌دهند. در همین مورد فاطیما ۲۱ ساله و دانشجوی کارشناسی می‌گوید: «به مد علاقه دارم و همیشه پوشش‌م را براساس مد انتخاب می‌کنم. من کلاً مدلای فشن رو دوست دارم» پردیس ۲۴ ساله که دانشجوی کارشناسی است، می‌گوید: «من در انتخاب پوشش‌م تا حد زیادی به لباس‌های مد روز علاقه دارم. بعضی وقتا هم لباسایی شبیه بازیگرای سینما انتخاب می‌کنم. البته به لباس‌های مجری‌های ماهواره هم خیلی علاقه دارم. بعضیاشون خیلی شیکن و من سعی میکنم حتماً ازشون استفاده کنم».

آرزو ۲۳ ساله و دانشجوی ارشد می‌گوید: «بیشتر دوست دارم لباس‌های مد بپوشم. به نظرم لباسی که مد همیشه حتماً زیباست که این همه طرفدار پیدا می‌کند. لباسای غیرمد دیگه پوشیدن نداره. مارک هم برام مهمه. لباس‌هایی که من معمولاً می‌پوشم ایرانشون از خارجی بهتره. من خودم بیشتر به لباس‌هایی که در داخل کشور تولید میشن علاقه دارم».

۸-۵. دلالت‌های روان‌شناختی

در گذشته، پوشش چیزی بود که مردم می‌پوشیدند و می‌پوشاندند. اما امروزه پوشش آن چیزی است که مردم می‌پوشند، نشان می‌دهند و درباره‌اش حرف می‌زنند، و با آن احساس نشاط می‌کنند یا این احساس را به طرف مقابلشان منتقل می‌کنند.

مهدیه ۲۱ ساله، دانشجوی کارشناسی در مورد دلالت‌های روان‌شناختی می‌گوید: «در انتخاب پوششم دلایل زیادی هست مثلاً اگه بخوام دوستانمو ببینم معمولاً از یه رنگ شاد استفاده می‌کنم که بهش روحیه بدم».

شیما ۲۵ ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد نیز این‌گونه می‌گوید: «خب من همیشه سعی می‌کنم لباسایی بپوشم که به خودم آرامش و انرژی مثبت بدم. من خیلی وقتا با تغییر دادن لباسام روحیه خودمو بهتر می‌کنم».

آرزو ۲۳ ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد بیان می‌کند: «خب به نظر من طرز لباس پوشیدن یه اعتمادبه‌نفسی به آدم میده که خیلی خوبه. مثلاً من اگه وارد یه جمع بشم و بدونم لباسای من از بقیه زشت‌تره یا متناسب با اون جمع نیست خودبه‌خود روحیمو از دست میدم. چون شما با همه آدمای تونی رابطه داشته باشی که بدونن تو چه جور آدمی هستی، ولی طرز پوشش تو، توی نگاه اول می‌تونه جایگاهتو مشخص کنه».

۹.۱. اکراه و الزام به حجاب

اکراه و الزام دو واژه به‌کارگرفته‌شده در مورد پوشش هستند بدین معنی که برخی شرایط و ساختارهای الزام‌آور تأکید به حجاب دارند در مقابل، آن افراد واکنش‌هایی - از جمله بی‌معنی دانستن و عدم تمایل به اجبار، و نفی آن - نسبت به این الزام از خود نشان می‌دهند. در ادامه ساختارهای الزام‌کننده و واکنش‌های نفی‌کننده به این مسئله، توضیح داده خواهد شد.

۹-۱. الزام ساختاری

این گروه نقش الزام‌ها و ساختارهای الزام‌آور در پوشش را پذیرفته‌اند و موافق دخالت ساختارهای نظاره‌گر بر نوع پوشش هستند، و معتقدند ساختارهای الزام‌آور نظیر الزام‌های دینی، اجتماعی، خانوادگی، سنتی و... می‌توانند قوانین و مقررات را در جامعه ما در راستای تثبیت الگوهای پوششی ثابت و یکسان تصویب کنند، و در نتیجه، آنها الزام‌ها را پذیرفته‌اند و موافق الزام در انتخاب نوع پوشش خود هستند.

شیرینا ۲۵ ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد در مورد ساختارهای الزام‌آور می‌گوید: «خیلی ساختارها هستن که در مورد حجاب یه سری الزام‌ها را برای ما تعیین کردن، مثلاً همین نظام جمهوری اسلامی که ما توش زندگی می‌کنیم ما رو به رعایت حجاب ملزم کرده، منم الزامی بودنشو قبول دارم در صورتی که طرف خودش قلباً به حجابش معتقد باشه نه اینکه به زور مجبورش کنیم».

لیلا ۲۲ ساله دانشجوی کارشناسی می‌گوید: «حجاب یه مسئله‌ای هستش که خیلی ساختارها و نهادها در موردش نظر میدن، مثلاً دین اسلام مسلمونا رو ملزم و موظف کرده که حجابشونو رعایت کنن، یا خانواده‌ها هم همین‌طور، خیلی از خانواده مثل خانواده خود من برای رعایت حجاب، منو الزام کردن، منم این الزام‌ها رو پذیرفتم».

شیوا ۲۵ ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد معتقد است: «حجاب برای من همیشه یه چیز الزامی و اجباری بوده، همیشه به من تحمیل شده و منم پذیرفتمش و براساس الزامی که خانواده و جامعه به من داشتن منم حجابمو رعایت کردم».

مینا که ۳۰ سال سن دارد و دانشجوی کارشناسی ارشد است، می‌گوید: «الآن حجاب ما الزامی هست از دین گرفته تا جامعه و خانواده و همه‌وهمه ما را مجبور کردن که حجاب کنیم، ولی خب من اصلاً قبولش ندارم و دوست ندارم کسی ما را به رعایت حجاب مجبور کنه».

۹-۲. نفی الزام‌های ساختاری

همان‌گونه که اشاره شد برخی ساختارها، حجاب را مسئله‌ای الزامی دانسته و افراد را ملزم به رعایت آن کرده‌اند اما در مقابل، دختران جوان نیز سعی در سرپیچی و نفی این الزام‌ها داشته و مخالفت خود را با ساختارهای الزام‌آور اعلام کرده و خواهان انتخاب پوشش‌های اختیاری‌اند. بسیاری از دختران حاضر در مصاحبه، الزام‌ها را به معنی توهین به

شخصیت و آزادی دانسته‌اند، به‌عنوان نمونه، رها ۲۶ساله می‌گوید: «الزامی که خود فرد بهش برسه عالیه ولی وقتی چند نفر اون بالا نشستند و برای مردم نسخه می‌پیچند، آدم احساس می‌کنه به شعورش توهین شده».

الهه ۲۶ساله و دانشجوی کارشناسی در مورد نفی الزام‌های ساختاری می‌گوید: «به نظر من تأکید زیادی نسبت به حجاب، نتیجه معکوس داره. افراد را نباید مجبور به هیچ کاری کنیم. چون انسان‌ها در هر جامعه‌ای که زندگی کنند با توجه به فرهنگ آن جامعه پوشش خود را انتخاب می‌کنن. افراد با توجه به سنشان به یک نوع خودآگاهی می‌رسن که باید در جامعه با چه پوششی ظاهر بشن، و چه پوششی مناسب است. پس به نظر من اصلاً لزومی نداره کسی را وادار به داشتن پوشش خاص و یا رعایت حجاب کنیم. افراد باید خودشون برای خودشون تصمیم بگیرن. البته من مخالف تبلیغات و آگاه‌سازی افراد در رابطه با تأثیرات مثبت پوشش مناسب و حجاب نیستم ولی با اجباری کردن آن مخالفم؛ چون به نظرم به اون قوه آزادی و اختیار انسان‌ها توهین می‌شه».

مارال ۲۱ساله و دانشجوی کارشناسی بیان می‌کند: «اصلاً اعتقادی به اجبار توی پوشش ندارم و کاملاً مخالف این قضیه هستم. به نظر من عامل این همه فساد اخلاقی جامعه همین اجبار است. شما در نظر بگیرین هی به ما میگن این لباسا خوب نیست این طرز پوشش خوب نیست خب طبیعیه که ما هم به‌خاطر مخالفت با نظرشون هم که شده، سعی می‌کنیم خلاف میلشون عمل کنیم».

نگار ۲۲ساله و دانشجوی کارشناسی معتقد است: «حجاب یه مسئله‌ای هستش که خیلی ساختارها و نهادها در موردش نظر میدن، مثلاً شما در نظر بگیرین نظام آموزشی به ما میگه حجاب داشته باش، خانواده‌هامون میگن حجاب داشته باشین، جامعه‌ای که توش زندگی می‌کنیم همه ما را ملزم و موظف کردن که حجابمونو رعایت کنیم، در مقابل چی میشه همه نتیجه معکوس داره، چرا چون زوره، چون همه دارن به یه نوعی نظر خودشونو به ما میگن، درصورتی که ما اعتقادی بهش نداریم. واسه همین هستش که خیلی از دخترا وقتی میان دانشگاه و چشم خانواده رو دور میبینن پوشش‌های افتضاحی دارن».

درون‌سازی و نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب به‌عنوان یکی از ضرورت‌های دینی مستلزم برنامه‌ریزی صحیح در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی است. در جدول شماره ۲، الگوهای درونی‌سازی معرفی شده است که به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱۰. نهادینه‌سازی حجاب در خانواده

خانواده مهم‌ترین رکن ترویج فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه بوده و باور به حجاب اسلامی باید از درون خانواده به فرزندان آموزش داده شود، از این‌رو، نقش متقابل و شیوه اثرگذاری و اثرپذیری اعضای خانواده از یکدیگر در نهادینه‌سازی امر حجاب، نقش بسزایی دارد. به‌عنوان نمونه، برخی شرکت‌کنندگان در مصاحبه حاضر از اهمیت پوشش مناسب اعضای خانواده خود در نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب خود صحبت کرده‌اند.

مهسا ۲۶ ساله در این باره می‌گوید: «خودم خیلی علاقه‌ای به حجاب ندارم و خیلی هم بهش فکر نمی‌کنم ولی برای خانوادم خیلی مهمه، و اعضای خانوادم تا حدی زیادی به حجاب علاقمند هستند و تا حدودی هم میشه گفت تلاش کردن که ما همیشه نسبت به حجاب تشویق بشیم، یعنی یه جوری برای حجاب احترام قائل بشیم».

مهتاب ۲۷ ساله می‌گوید: «حجاب هم برای من و هم اعضای خانوادم خیلی مهم بوده و هست. هم خانوادم خودم و هم همسرم برای حجاب ارزش بسیار بالایی قائلند، و توی روابط اجتماعی من تأثیر بسیار مثبتی داشته فکر می‌کنم».

زهرا ۲۴ ساله می‌گوید: «خب ما چون توی جامعه مذهبی بزرگ شدیم الگوبرداری مون از حجاب، بیشتر خانواده بوده ولی باز هم در ادامه مسیر ممکنه یه سری اختیارا داشته باشیم و محیط روی ما تأثیر بزاره ولی بازم جبر خانواده بالا سر ما هست».

نگار ۲۲ ساله و دانشجوی کارشناسی می‌گوید: «خب اکثر خانواده‌های ایرانی نگرش سنتی شون نسبت به حجاب را داشتن و دارن و براش ارزش بالایی قائلند، مثلاً مادر من، خودش خیلی اعتقادات مذهبی بالایی داره و تا جایی که تونسته منو راهنمایی کرده که حجاب داشته باشم».

۱۰-۱. نگرش سهل‌گیرانه خانواده به حجاب

همان‌گونه که اشاره شد نقش خانواده در نهادینه‌سازی فرهنگ عفاف و حجاب از اهمیت فراوانی برخوردار است اما در مقابل، خانواده‌هایی که حجاب در میانشان بار ارزشی بالایی دارد، خانواده‌هایی هستند که نگرش سهل‌گیرانه‌تری نسبت به سبک‌های پوشش و حجاب در بین فرزندان خود دارند و در نتیجه، دختران جوان نیز به پیروی از الگوهای رایج در میان اعضای خانواده‌شان دست به انتخاب پوشش‌های مورد قبول خود می‌زنند.

مارال ۲۱ ساله و دانشجوی کارشناسی معتقد است: «حجاب همیشه گفت، چیزی که من و خانوادم بهش اعتقاد داریم بیشتر پوشش مناسب هستش تا حجاب که اون هم پوششی عامه‌پسند نه خیلی سفت‌وسخت و نه خیلی بی‌بندوبار».

رها ۲۶ ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد می‌گوید: «مادر من تا حدی خودش تپیش سنتی هستش یعنی چادر می‌پوشه ولی هیچ‌وقت یادم نیامد به من گفته باشه که مثل من لباس بیوش یا باید حتماً حجابتو رعایت کنی».

عاطفه ۲۷ ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد بیان می‌کند: «خانواده من هیچ‌گاه برای حجاب، اجباری نکردن و محدوده برای من تعیین نکردن ولی در زمینه انتخاب تصمیم درست، خیلی بهم کمک کردند».

۱۰-۲. الگوهای همانندساز

اما استراتژی دیگری که دختران مورد مصاحبه برای انتخاب نوع پوشش خود عنوان کرده‌اند، تأثیرپذیری از رسانه‌ها، کتاب‌ها، مجله‌های مُد و... است که با تغییر نگرش دانشجویان نسبت به سبک‌های پوششی‌شان، زمینه را برای تغییر نگرش آنها نسبت به سبک‌های پوشش گذشته فراهم کرده‌اند.

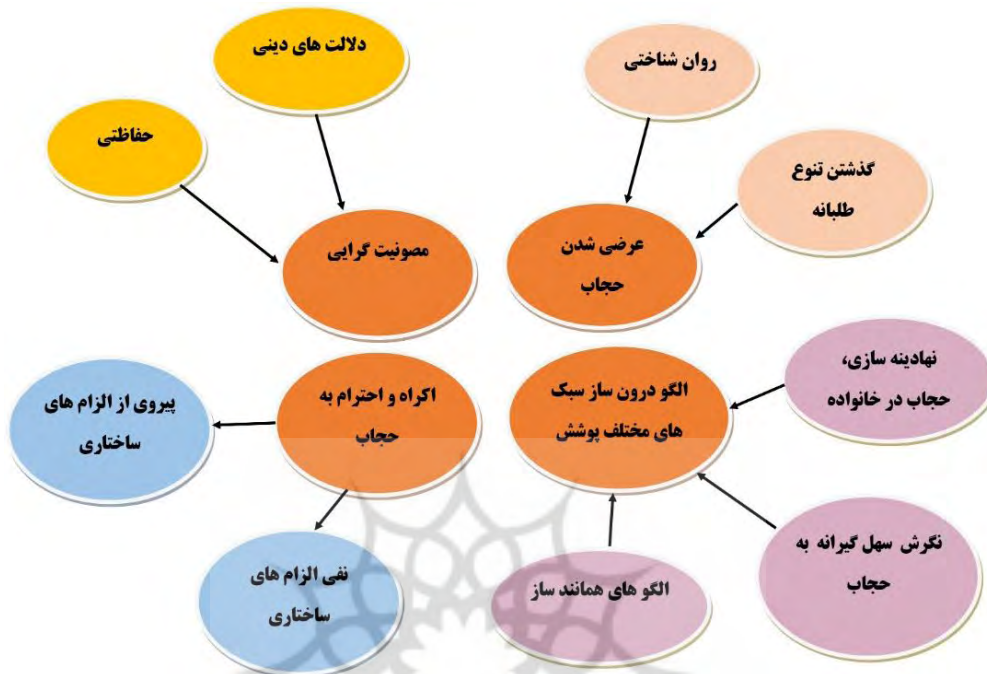
پریا ۲۵ ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد می‌گوید: «چیزایی که توی انتخاب پوشش من یا تغییر سبک پوشش من نقش داشتن، فکر می‌کنم بیشتر از همه، مطالعات دینی خودم بوده».

افسانه ۲۵ ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد در مورد راه‌هایی که در شناخت و تغییر نگرش نسبت به حجاب نقش داشتند، می‌گوید: «خب الان با فضای مجازی خیلی چیزها تغییر کرده و توی نگرش ما آدما نسبت به خیلی از مسائل روزمره زندگیمون تغییر ایجاد شده، حجاب و پوشش هم همین‌طور ولی در بین تمام چیزایی که روی من تأثیر داشته، فکر می‌کنم اینستاگرام، مجله‌های مُد مجازی خیلی تأثیرگذار بودن».

سهیلا ۲۴ ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد بیان می‌کند: «خب الگوهای فضای مجازی تقریباً بی‌حجابی را ترویج میدن و اصلاً با نگرش من سازگار نیست. من با کتاب‌هایی که خوندم باعث تغییر نگرش من به حجاب و مثبت شدن اون شده».

مهتاب ۲۳ ساله و دانشجوی کارشناسی می‌گوید: «از لحاظ سبک پوشش من فرقی نداشته و همیشه همین‌جوری بوده ولی هرچی مطالعات دینیم بالاتر میره نگرش من مثبت‌تر میشه».

۱۱. شبکه مضامین



۱۲. جمع بندی و نتیجه گیری

دانشگاه یکی از نهادهای مهم مسئول در تعلیم و تربیت اجتماعی است و بر این مبنا، مطالعه نگرش دانشجویان در این محیط می‌تواند نقش اثرگذار جامعه‌پذیری در دانشگاه را نشان دهد. از این رو، پژوهش حاضر به دنبال تعریف، تصور و درک معانی ذهنی دانشجویان دختر دانشگاه آیت‌الله بروجردی^ع درباره حجاب و پوشش بود که در جریان مصاحبه‌ها کوشیده شد از مصاحبه‌شوندگان در مورد دلالت‌های ذهنی و معنایی‌شان در انتخاب سبک پوشش و همچنین راه‌های درونی‌کننده سبک‌های مختلف پوشش پرسش‌هایی شود. دانشجویان در پاسخ به این پرسش که چه تعریف و تفسیری از حجاب و پوشش دارند؟ اظهار داشته‌اند که حجاب مسئله‌ای چندبُعدی است. از یک‌سو، مسئله‌ای معرفتی، دینی و اخلاقی بوده و از سوی دیگر، پدیده‌ای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است.

مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به این پرسش که چه دلالت‌های ذهنی و معنایی برای انتخاب سبک پوششان وجود دارد؟ مواردی از قبیل دلالت‌های روان‌شناختی، دینی، حفاظ

امنیتی، تنوع‌طلبانه، پیروی از الزام‌های ساختاری و نفی الزام‌های ساختاری را عنوان کرده‌اند. همچنین در پاسخ به این پرسش که چه الگوهایی را جهت درون‌سازی سبک‌های مختلف پوشش دارند؟ مصاحبه‌شوندگان مواردی مانند نهادینه‌سازی حجاب در خانواده، نگرش سهل‌گیرانه خانواده نسبت به حجاب و الگوهای همانندساز را بیان داشتند.

هریک از مصاحبه‌شوندگان برای انتخاب سبک‌های پوشش خود، دلایل متعددی را بیان کرده‌اند. یکی از دلالت‌های عنوان‌شده، مصونیت‌گرایی بوده که شامل دو گُذ دلالت‌های دینی پوشش و حفاظ امنیتی است.

اعتقاد آگاهانه به ارزش‌های انتزاعی دلالت‌های دینی و امنیتی، شکلی از رفتار است که سبب می‌شود فرد فارغ از هر موقعیت خارجی، نوعی کشش ارزشی دینی پیدا کند که به دلیل ارزش‌های اخلاقی و مذهبی، خود را ملزم به رعایت حجاب کرده و آنرا وظیفه‌ای اخلاقی برای خود دانسته است.

نتایج پژوهش حسینی و خرمایی (۱۳۹۵) به تأیید مبانی دینی در نوع پوشش همسو با نتایج به‌دست آمده در این بخش است. در تأیید نتایج این بخش می‌توان به دیدگاه ساختی - کارکردی اشاره کرد در این بُعد، رعایت عفاف و حجاب به لحاظ دینی یکی از عوامل نظم‌دهنده و حافظ بقای نظام اجتماعی است و بر اساس این دیدگاه، حفظ امنیت فردی، اجتماعی و الزام به دلالت‌های دینی، نوعی نقش کارکردی است که در صورت رعایت آن، نظام اجتماعی، کارکرد خود را به‌خوبی انجام می‌دهد.

دومین دلالت مطرح‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان، عرفی شدن پوشش است که دو گُذ تنوع‌طلبی و بُعد روان‌شناختی دارد. براساس مصاحبه‌های صورت‌گرفته، پوشش اکنون دیگر به‌عنوان یک ارزش ذاتی تبدیل‌شده و به‌نوعی خصلت فیزیکی و تکنیکی به خود گرفته که پدیده مدرن است و دیگر به مانند گذشته بدان نگاه نمی‌شود. از این‌رو، نتایج حاصل از پژوهش تاج‌بخش (۱۳۹۸) و حسینی و خرمایی (۱۳۹۵) نیز همسو با نتایج این بخش بوده که نشان می‌دهد پوشش اکنون به‌عنوان پدیده‌ای فردی‌شده، مدرن، موقعیت‌مند و زیباگرا تبدیل شده است. همچنین گیدنز نیز پدیده انتخاب لباس، آداب و رسوم و خودآرایی را پدیده‌ای پویا عنوان کرده که از مجرای آن کنشگران می‌کوشند دلالت‌های درونی‌شده خود را آشکار سازند. همچنین همان‌گونه که زیمل نیز در مقاله مُد بیان می‌کند امروزه ترویج مدهای متنوع و متمایز، امکان انتخاب‌های بسیاری را پیش روی افراد قرار می‌دهد که

پیروی از سبک‌های مختلف و متعدد، سبب می‌شود فرد به‌نوعی هویتی متمایز از خود به نمایش بگذارد.

سومین مقوله استخراج‌شده از مصاحبه‌ها، اکراه و الزام به حجاب و نوع پوشش است که دو گد پیروی از الزام‌های ساختاری و نفی الزام‌های ساختاری دارد. نتایج پژوهش تاج‌بخش (۱۳۹۸) همسو با نتایج حاصل از این بخش بوده که در آن هنجارها و ساختارهای فرهنگی - اجتماعی و سازمان‌یافته‌ای که در جامعه رواج دارد، مجموعه مقررات و هنجارهایی را تشکیل می‌دهد که در نتیجه آن، برخی افراد خود را با هنجارهای موجود وفق می‌دهند و این زمانی است که خواسته‌ها و انتظارات فرد همسو با آداب و رسوم و عرف اجتماعی و... است. برخی دیگر نیز اقدام به نفی و کنار زدن الزام‌های ساختاری پوشش می‌کنند، این امر زمانی رخ می‌دهد که خواسته‌ها و انتظارات فرد در تضاد با هنجارهای موجود بوده که در نتیجه فرد اقدام به کنار زدن و سرپیچی از هنجارها می‌کند. همان‌گونه که در دیدگاه ساختی - کارکردی نیز عنوان شده، ساختارها نقش مهمی در حفظ و بقای اجتماعی دارند. بر این اساس در صورتی که ساختارهای موجود در جامعه، نوع پوشش خاصی را مورد تأیید قرار دهند و سایر سازمان‌های فرهنگی - اجتماعی نیز نقش خود را در همسویی با کنشگران به‌خوبی ایفا کنند، نظم کارکردی اجتماع حفظ می‌شود اما زمانی که کنشگران، هنجارهای موجود را پس بزنند و در تضاد با نقش‌های کارکردی - ساختاری برآیند، در نتیجه نظم ساختی - کارکردی از بین رفته و نوعی بی‌هنجاری رواج می‌یابد.

اما چهارمین دلالت به نقش الگوهای درون‌ساز سبک‌های مختلف پوشش اشاره دارد که کدهای نهادینه‌سازی حجاب در خانواده و نگرش سهل‌گیرانه نسبت به حجاب و نوع پوشش دارد. تربیت، در درونی‌کردن سبک‌های مختلف پوشش، نقش تعیین‌کننده و بسزایی داشته و در صورتی که الگوهای مختلف جامعه‌پذیری مانند خانواده، اجتماع، همسالان و... در تضاد با یکدیگر باشند، فرد در انتخاب نوع پوشش مناسب دچار سردرگمی می‌شود. در صورتی که هنجارهای اجتماعی درون‌خانوادگی در بین افراد خانواده درونی گردد، این مسئله سبب شکل‌گیری رفتاری مشابه می‌شود. همان‌گونه که زیمل نیز می‌گوید سبک‌های مختلف زندگی باعث می‌شود افراد از مدهای متفاوتی پیروی کنند که نشان‌دهنده سبک‌های زندگی و خانواده افراد است. همچنین دیدگاه جامعه‌پذیری نیز همسو با نتایج پژوهش حاضر، نقش خانواده را به‌عنوان یکی از الگوهای اجتماعی کردن و نهادینه‌سازی ارزش‌های مختلف تأیید

می‌کند و از این‌رو، نتایج حاصل از پژوهش فرزانه و امیریان‌زاده (۱۳۹۶) نیز آشنایی و عدم آشنایی خانواده و والدین را با الگوهای فرهنگی - اجتماعی در چگونگی جامعه‌پذیری فرزندان مورد بحث قرار داده و به نقش اثرگذار این مهم اشاره می‌کنند و در نهایت، الگوهای همانندساز که نقش جامعه‌پذیری در انتخاب مدهای رایج، نوع پوشش و... را دارند، اشاره می‌کنند. این الگوها به نقش رسانه‌ها، مجله‌های مد و... به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین عوامل جامعه‌پذیری در پذیرش فرهنگ‌های متفاوت، اشاره دارد، همچنین بوردیو نیز نوع استفاده از لباس و کالاهای فرهنگی را به‌عنوان یکی از عوامل نشان‌دهنده طبقه اجتماعی در نظر دارد که همسو با نتایج حاصل از پژوهش در این بخش است.



فهرست منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۶)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران، انتشارات سروش.
۲. احمدی، حبیب، علی روحانی، و محسن زهری (۱۳۸۶)، «تبیین واقعیت اجتماعی حجاب از منظرگاه فمینیستی و آرای اندیشمندان اسلامی»، *فصلنامه بانوان شیعه*، سال ۶، شماره ۲۰، ص ۳۲-۲۰.
۳. ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸)، *مبنای پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*، قم، حوزه و دانشگاه.
۴. باکاک، رابرت (۱۳۸۱)، *مصرف*، ترجمه خسرو صبوری، تهران، شیرازه، چاپ اول.
۵. بخارایی، احمد (۱۳۹۲)، *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۶. بلیکی، نورمن (۲۰۱۰)، *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، انتشارات نی.
۷. بوردیو، پی یر (۱۳۸۴)، *شکل‌های سرمایه*، به‌کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه.
۸. هادی پیکانی، مهربان و نازنین محمدوند گلوچه (۱۳۹۶)، «تحلیل سیاست‌های فرهنگی پوشش زنان»، *فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ*، سال ۸، شماره ۳۲، ص ۹۳-۱۰۹.
۹. تاجبخش، غلامرضا (۱۳۹۸)، «تحلیل کیفی سبک‌های پوشش دانشجویان دختر»، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، سال ۹، شماره ۳، ص ۴۰۳-۴۲۱.
۱۰. جوانی، وجیهه و مجتبی امیری (۱۳۹۵)، «بررسی عوامل گرایش به بدحجابی و راه‌کارهای مقابله با آن»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۹، شماره ۴.
۱۱. حسینی، حسام‌الدین و فاطمه خرمایی (۱۳۹۵)، «بررسی مبانی دینی زیباگرایی مد در پوشش و آرایش زنان»، *فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ*، سال ۷، شماره ۲۸، ص ۷۵-۸۹.
۱۲. رحیمی، علی (۱۳۹۶)، *ابعاد تربیتی و اخلاقی حجاب*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.
۱۳. ساعی ارسی، ایرج (۱۳۸۶)، «زمینه‌های فلسفی و نظری روش‌های پژوهش‌های کیفی در علوم اجتماعی»، *فصلنامه جامعه‌شناسی*، دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۸، ص ۲۸.
۱۴. فتاحی، امین و جعفر نامور (۱۳۹۶)، «مطالعه و تبیین وضعیت کنونی، روند تمایلات و گرایش‌های رفتاری دانشجویان دختر به حجاب اسلامی»، *فرهنگ در انتشار اسلامی*، سال ۷، شماره ۱.
۱۵. فرزانه، عبدالحمید و مژگان امیریان‌زاده (۱۳۹۶)، «مقایسه اولویت‌بندی عامل‌های مؤثر بر پوشش دانشجویان بر مبنای متغیر جمعیت‌شناختی»، *فصلنامه علمی و پژوهشی زن و جامعه*، سال ۸، شماره ۱، ص ۱۴۳-۱۶۷.

۱۶. فلیک، اووه (۱۳۷۸)، **درآمدی بر تحقیق کیفی**، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
۱۷. متانی، مهرداد (۱۳۹۶)، «نقش رسانه‌های جمعی در گسترش فرهنگ حجاب و عفاف زنان»، **فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ**، سال ۸، شماره ۳۲، ص ۴۶-۳۷.
۱۸. ملوین، دفلور و ای. دنیس اورت (۱۳۸۷)، **شناخت ارتباطات جمعی**، ترجمه سیروس مرادی، تهران، انتشارات دانشکده صدا و سیما.
۱۹. نصری، محسن (۱۳۹۵)، **رویکردی جامعه‌شناختی به حجاب**، اصفهان، انتشارات حدیث راه عشق، چاپ اول.
20. Braun, Virginia & Clarck, Victoria (2006), **using thematic Analysis**, in: psychology, *Qualitative Research in psychology*, vol.3, 77-101.
21. Bourdieu, Pierre (1984), **distinction a social critique of the judgment of tast** **Trans: Richer nice**, Harvard University Press.
22. Shilling, Chris (1993), **Body and Social Theory**, London, Sage publication.